

نقش آفرینی صنایع کوچک در اقتصاد



عاطفه خسروی مدیر مسئول

سهم صنایع کوچک و متوسط در اشتغال، تولید و صادرات، به‌وضوح نشان‌دهنده جایگاه این واحدهای صنعتی در احیا و توسعه اقتصاد کشور است. باوجود اهمیت این بنگاه‌ها در اقتصاد، همواره در جدال با قوانین متعدد و متنوع در حوزه بانک‌ها، تأمین‌اجتماعی، دارایی و... بوده‌اند و اغلب، قوانین موجود، پاسخگوی نیازهای آنها و حل مشکلات‌شان نیست. در صورتی که اگر به این صنایع به‌عنوان موتور محرک توسعه پایدار با نگاهی ویژه توجه شود و مورد حمایت‌های واقعی و کاربردی قرار گیرند، می‌توانند به یکی از متغیرهای اصلی رشد و رونق تولید داخل تبدیل شوند. در ادامه با حرکت در راستای رشد تولید صادرات‌محور می‌توان هم بر ظرفیت اشتغال‌زایی این صنایع تکیه کرد و هم از درآمدهای صادراتی این بخش بهره برد.

اهمیت این صنایع در اقتصاد تا آنجاست که نقش شرکت‌های کوچک و متوسط در پیشبرد توسعه اقتصادی، کاهش فقر و تقویت کار آفرینی، موردتایید و تأکید سازمان ملل متحد و سازمان‌های مختلف بین‌المللی نیز هست.

به‌گواه این سازمان‌ها، کسب‌وکارهای کوچک سهم قابل توجهی در ایجاد شغل، نوآوری و ثبات اجتماعی دارند، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که ستون فقرات اقتصاد را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر، در ۲ دهه اخیر تغییرات محتوایی و کیفی بسیاری در بازارهای جهانی رخ داده و حرکت به‌سوی منطقه‌ای و جهانی شدن بازارها سرعت گرفته است. بازار محوری (مشتري محوری) جایگزین تولیدمحوری شده و تولیدکنندگان صنعتی، با هدف استفاده بهینه از امکانات و جلوگیری از هدر رفتن منابع به‌لارزش، تمهیداتی اندیشیده‌اند که نتیجه آن تغییر در ساختار صنعتی است.

در جریان تغییرات یادشده، در کشورهای توسعه‌یافته رشد و ترویج بیش از پیش صنایع کوچک و متوسط به یکی از مشخصات بارز و اصلی این تغییر ساختار بدل شده است. حال اگر بنگاه‌های کوچک و متوسط را پیشران اقتصاد بدانیم و نقش قابل توجه آنها در اشتغال‌زایی، نوآوری، آموزش نیروی کار، توسعه صادرات، سرمایه‌گذاری و در نهایت رشد اقتصاد را باور داشته باشیم، باید حمایت جامع و عملیاتی از این بخش را در دستور کار قرار دهیم.

چنانچه در کشورهای توسعه‌یافته نیز، موسسات کوچک و متوسط علاوه بر کارکردهای پیشین خود، کانون اصلی توسعه فناوری و تأمین نیازهای پیچیده و پیشرفته کشورها به‌حساب آمده و حمایت‌های گسترده‌ای توسط موسسات دولتی و عمومی از آنها به‌عمل می‌آید.

نکته جالب توجه اینک، هر چه یک کشور از نظر اقتصادی در سطح بالاتری قرار داشته باشد، تکیه توسعه صنعتی آن بیشتر بر صنایع کوچک معطوف شده است. این مسئله نشان می‌دهد «صنایع کوچک» در جهان امروز، واقعیت غیرقابل‌انکاری هستند که باید با سیاست‌گذاری مناسب

اقتصادی در راستای پیشرفت و توسعه آنها همت گمارد. در ایران اما وجود افزایش تمرکز بر توسعه این صنایع و گسترش شهرک‌های صنعتی، این بخش با مشکلات بسیاری مواجه است. هنوز هم بیشتر مجموعه‌های کوچک با کمبود نقدینگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و با چالش‌هایی مانند فرآیند طولانی بررسی درخواست تسهیلات، سیستم کند و دست‌وپاگیر اداری، تأمین وثایق و مهم‌تر از همه عدم تخصیص کامل منابع موردنیاز روزگار می‌گذرانند.

برخی کارشناسان مشکل را در نبود تعریف جامع و واحدی از صنایع کوچک می‌دانند و معتقدند: هر سازمان و نهادهی دسته‌بندی و تعریف خود را از صنایع دارد. تعریف بانک مرکزی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان صنایع کوچک و متوسط و مرکز آمار ایران باوجود همپوشانی، با یکدیگر تفاوت دارد و بر همین اساس نیز تفسیر قوانین مربوط به این بخش متفاوت است.

براساس تعریف وزارت صنایع و معادن و وزارت جهاد کشاورزی، بنگاه‌های کوچک و متوسط، واحدهای صنعتی و خدماتی (شهری و روستایی) هستند که کمتر از ۵۰ نفر کارگر دارند (یونینو، ۱۳۸۳: ۱۲۱). وزارت تعاون نیز حسب مسود، تعاریف وزارت صنایع و معادن و مرکز آمار ایران را درباره این صنایع به کار می‌برد.

مرکز آمار ایران کسب‌وکارها را به ۴ گروه طبقه‌بندی کرده است: کسب‌وکارهای دارای ۹-۱۶ کارگر، ۴۹-۱۰ کارگر، ۹۹-۵۰ کارگر و بیش از ۱۰۰ کارگر (آمار سال ۱۳۷۸).

هرچند این طبقه‌بندی، در ظاهر شباهتی با تعاریف اتحادیه اروپا دارد، اما مرکز آمار ایران فقط کسب‌وکارهای کمتر از ۱۰ نفر نیروی کار را بنگاه‌های کوچک و متوسط محسوب و سایر کسب‌وکارها را «کارخانجات صنعتی بزرگ» قلمداد و بانک مرکزی نیز کسب‌وکارهای زیر ۱۰۰ نفر نیروی کار را به‌عنوان بنگاه‌های کوچک و متوسط تلقی می‌کند. بسیاری توسعه صنایع کوچک و متوسط را رمز توسعه اقتصادی دهه آینده می‌دانند و با این نگاه حمایت از صنعتگران و کارآفرینان شاغل در این صنایع با ایجاد تغییرات بنیادین در اقتصاد، موجب گسترش عدالت اجتماعی و توسعه اقتصاد خواهد شد.

خلاصه کلام آنکه، در عصر توسعه نقش آفرینی صنایع کوچک قرار داریم و به‌دلیل ظرفیت‌های یاد شده، از شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) بیشتر به‌عنوان ضرابان قلب اقتصادهای نوظهور و توسعه‌یافته یاد می‌شود. ما هم برای موفقیت در این عرصه راهی جز حمایت از این بخش مهم و تاثیرگذار در اقتصاد نداریم.

اقتصاد و توسعه

انزوای کوچک مقیاس‌ها

می‌دهند. اما باوجود این ظرفیت عظیم، SMEها همچنان با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند که از مدیریت ناکارآمد و کمبود نیروی انسانی ماهر گرفته تا مشکلات تأمین مالی، عقب‌ماندگی تکنولوژیکی و کمبود مواد اولیه، توان آنها را برای شکوفایی محدود کرده است.

بسیاری معتقدند؛ صنایع کوچک و متوسط در ایران اگرچه با چالش‌های بزرگی مانند ضعف مدیریت، کمبود نیروی کار ماهر، دسترسی محدود به منابع مالی، عقب‌ماندگی تکنولوژیکی و مشکلات در تأمین مواد اولیه روبه‌رو هستند، اما با اتخاذ سیاست‌های مناسب در هر یک از این زمینه‌ها می‌توانند به رشد قابل‌توجهی دست یابند. به‌باور فعالان اقتصادی دولت و بخش خصوصی باید به‌طورمشترک به حل این مشکلات پرداخته و بستری مناسب برای رشد این صنایع فراهم کنند. حمایت از SMEها نه‌تنها به توسعه اقتصادی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری، افزایش تولید ناخالص داخلی و ارتقای

در کشورهای توسعه‌یافته، بیش از ۹۰ درصد کسب‌وکارها، صنایع کوچک و متوسط (SME) هستند و این صنایع بیش از ۵۰ درصد GDP را تأمین می‌کنند. این آمار، اهمیت صنایع کوچک و متوسط را در شکل‌دهی به اقتصاد جهانی به‌وضوح نشان می‌دهد. در ایران نیز SMEها به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصادی شناخته می‌شوند، با این تفاوت که با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند که توان آنها را برای شکوفایی محدود کرده است. این یادداشت به تحلیل این چالش‌ها و ارائه راهکارهایی برای تقویت و توسعه SMEها در ایران پرداخته است.

از سوی دیگر، صنایع کوچک و متوسط (SME ها) به‌عنوان ستون فقرات اقتصاد هر کشور، نقش کلیدی در ایجاد اشتغال، تقویت زنجیره‌های تأمین و رشد اقتصادی ایفا می‌کنند. در ایران، این صنایع بیش از ۵۰ درصد از اشتغال غیررسمی و بخش عمده‌ای از تولید ناخالص داخلی (GDP) را تشکیل

صنایع کوچک، صناعیی است که اگرچه در دنیا بخش قابل توجهی از GDP و صادرات را در اختیار دارند، اما در ایران

چندان موردالتفات قرار نگرفته و با توجه به چالش‌هایی که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، تنها حدود ۱۰ درصد از صادرات را به

تاریخ تولد کوچک‌های دوست‌داشتنی

غذایی، منسوجات، شیمیایی، لوازم‌خانگی، ساختمانی، کانی‌های فلزی و غیرفلزی، سلولزی و ... در ایران شدند. نخستین‌بار بود که ایران به کلوب کشورهای تولیدکننده کالاهای مصرفی فاسدشدنی و بادوام پیوست و چشم‌انداز صنایع کوچک در ایران، به‌علت سیاست‌گذاری مناسب، میانگین نسبتاً بالای نرخ رشد تشکیل سرمایه فیزیکی در حوزه ساختمان و ماشین‌آلات روشن به‌نظر می‌رسید. با این حال مامعسل این صنایع دیری نپایید و در پایان دهه ۵۰، با مصادره شدن تمامی این صنایع توسط شورای

قربانیان سیاست‌های اشتباه

کشور، با بن‌بست مطلق روبه‌رو شد. البته سیاست احداث شهرک‌های صنعتی در تمامی دولت‌هایی که پس از جنگ تعمیلی بر سر کار آمدند، تداوم یافت و با این حال، همچنان مداخلات دولت در حوزه قیمت‌گذاری محصولات، قوانین ناکارآمد کار و حداقل دستمزد، مالیات‌های مرمک و نرخ بهره دستوری، در کنار پرداخت رانت سوبسیدی به برخی از شرکت‌های خاص باعث شد که امکان رشد این صنایع در ایران با چالش مواجه باشد. بسیاری از واحدهای صنعتی کارگاهی و کارخانه‌ای کوچک ایران در این سال‌ها،

چالش‌های دست‌وپاگیر

در بر می‌گیرند.

یکی از مشکلات اساسی این شرکت‌ها در سال‌های اخیر، ناترازی انرژی بوده که طی ۵سال متمادی باعث کاهش حاشیه سود این شرکت‌ها و تحمیل ضرر و زیان انباشته سنگینی به آنها شده است. در شرایطی که حتی صنایع سنگین کشور با مسئله کمبود برق دست و پنجه نرم می‌کنند و ساعات بسیاری را با قطعی برق مواجهند، صنایع کوچک با ساعات بیشتری از قطعی برق روبه‌رو هستند. ناترازی ۲۰ هزار مگاواتی برق و ترجیح اولویتی دولت در قبال تأمین برق بخش‌های اداری و خانگی، باعث شده است تا صنایع کوچک در کشور با تنگنای تنفسی چشمگیری روبه‌رو شوند. تأمین برق تجدیدپذیر یا نصب ژنراتورهای دیزلی هم در شرایطی که این بنگاه‌های کوچک با کمبود نقدینگی در گردش روبه‌رو هستند، به هیچ روی میسر نیست و این صنایع را با چالش‌های عدیده‌ای روبه‌رو کرده که امکان عبور هم‌زمان از آنها را ندارند. یکی دیگر از چالش‌های این صنایع، این است

نسخه شگفت‌انگیز چینی و بیرهای آسیا

تولیدکننده مواد غذایی، تحت حمایت صندوق‌های ضمانت از صادرات دولت قرار دارند و در نتیجه از مجموع ۱۲۰میلیارد دلار صادرات کالاهای‌های تک مالزی، ۶۵ درصد از کل حجم صادرات، از تولیدات متعلق به بنگاه‌ها و صنایع کوچک‌مقیاس تشکیل می‌شود.

در اندونزی که مانند ایران، نخست اولویت را به توسعه صنایع سنگین داده و حتی ریسک ساخت هواپیما را نیز در دستور کار قرار دادند، پس از دهه ۲۰امون و خطا، رو به حمایت از صنایع کوچک آورده و باعث جهش ناگهانی صادرات این کشور شدند. ویتنام و بنگلادش نیز با حمایت از صنایع کوچک، توانستند مقادیر مجسیم و چند ده میلیارد دلاری از کالاهای تولیدشده این صنایع کوچک را به بازارهای جهانی روانه کنند. به‌نظر می‌رسد که در ایران نیز باتوجه به تنش آبی شدید و همچنین ناترازی مزمن در تأمین برق و گاز، سیاست صنعتی کشور به‌سوی حمایت از صنایع کوچک، پارادایم‌شیفت کند.

با نگاهی به اقدامات انجام‌شده واضح و مبهرن است که پویایی صنایع کوچک و متوسط (SME) به‌عنوان یک اولویت که مسیر اشتغال‌زایی و توسعه پایدار را به‌دنبال دارد، در دستور کار دولت قرار دارد. با همین نگاه، خوشه‌های کسب‌وکار به‌عنوان مجموعه‌ای از بنگاه‌های تولیدی براساس مزیت‌های منطقه‌ای شناسایی شد و در دوساله دولت سیزدهم ۲۲۲ پروژه امکان‌سنجی توسعه خوشه‌ها به‌انجام رسید، ۵۴ پروژه توسعه خوشه نیز در حال اجراست. حمایت از ایجاد و توسعه کنسرسيوم‌های صادراتی، توازن

انقلاب و پس از آن واگذاری مدیریت این صنایع به چهره فاقد تخصص با رویکردهای اقتصادی و سیاسی نوعا چپ‌گرا، باعث شد تا آفق روشنی که در پایان دهه پیشین در برابر دیدگان فعالان اقتصادی و صنعتی پدیدار شده بود، به‌تیرگی گراید و با الصاق پرچسب انقلابی و هولناک «مونتازی» به‌زودی در همه آنها تخته شود و بعدتر هم در خصوصی‌سازی، با تعهدات و زیان انباشته بالا و کالاهای تولیدشده فاقد کیفیت و انبارهای خالی و بدون تقاضا، سرنوشتی بهتر از فراموشی نیابند.

با حداقل ظرفیت مشغول به کار بودند و بخش عمده‌ای از این صنایع نیز رو به تعطیلی نهانند تا جایی که در دهه ۹۰ خورشیدی، نرخ تشکیل سرمایه ثابت فیزیکی در ۲ حوزه ماشین‌آلات (با رشد منفی ۶۱ درصد) و ساختمان (با رشد منفی ۴۱ درصد) با سقوطی چشمگیر مواجه شد و نشان داد که صنایع کوچک، قربانیان سیاست‌های ۳دهه پس از جنگ شدند و بخش بسیار زیادی از اشتغال مرتبط با این حوزه نیز از دست رفت.

که امکان تأمین مالی و فایننسینگ از شبکه بانکی را ندارند. به‌عبارتی، وجود تمایز میان صنایع بزرگ و کوچک از منظر بانک‌ها، باعث شده تا بانک‌ها شرایطی را که برای تأمین مالی و تزریق نقدینگی به صنایع سنگین قائل هستند، برای صنایع کوچک قائل نباشند و این امکان برای شرکت‌های کوچک، با امتناع روبه‌رو بوده است. همچنین به‌علت سختگیری‌های مقرراتی سازمان بورس و اوراق بهادار، این شرکت‌ها از امکان حضور در تالارهای اصلی و فرعی بورس برای فروش کالاهای خود و همچنین جذب امکانات مالی برخوردار نیستند، امکان انتشار اوراق مشارکت خصوصی (Corporate bond) را نیز ندارند. به‌عبارت‌دیگر، به‌علت وجود قوانین و مقررات پرشمار و دست‌وپاگیر فعلی، راه هر گونه امکان تأمین مالی این بنگاه‌ها مسدود شده است و شیر فلکه پرداخت تسهیلات نیز به شکل یک‌طرفه و با نرخ‌های بهره دستوری تعیین‌شده توسط دولت، به بنگاه‌های خصولتی وابسته به نهادهای خاص تخصیص می‌یابد.

صنعتی براساس آمایش سرزمین، نگاه ویژه به مناطق مرزی و کمتربرخوردار، حمایت از رسوخ فناوری در صنعت و ... مجموعه برنامه‌هایی هستند که در این مسیر دولت در حوزه صنایع کوچک و متوسط (SME) دنبال می‌کند. سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران نیز مهم‌ترین ماموریت‌ها و اهداف سازمانی خود را شامل همکاری با دستگاه‌های اجرایی تأمین‌کننده زیرساخت‌ها و خدمات موردنیاز شهرک‌ها وواحی صنعتی، تدوین راهبردهای لازم برای ایجاد و توسعه شهرک‌های فناوری، مراکز خدمات فناوری و کسب‌وکار، مجتمع‌های فناوری اطلاعات و خدمات نرم‌افزاری، تشویق صنایع کوچک برای تبدیل‌شدن به صنایع بزرگ، مدیریت تأمین منابع مالی و سرمایه‌گذاری موردنیاز، تلاش برای تأمین وثیقه صنایع کوچک از طریق صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری، ارتقای شاخص‌های ایمنی، بهداشت و محیط‌زیست در شهرک‌ها وواحی صنعتی و واحدهای مستقر و بسترسازی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه صنایع کوچک و مشارکت در ایجاد زیرساخت‌های صنعتی می‌دانند.

سخن پایانی

بی‌شک توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط براساس مدل‌های روز دنیا و جذب سرمایه‌گذاری در این حوزه یکی از اهرم‌های دولت برای ایجاد اشتغال پایدار، توسعه تولید و ایجاد توازن صنعتی در کشور است.

جایگاه ایران در بازارهای بین‌المللی منجر شود.

از ۱۳۹۳ خورشیدی به‌مناسبت پنجاهمین سالروز تاسیس سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران و بنا به تصویب شورای فرهنگ عمومی، ۲۱مرداد در تقویم رسمی کشور به‌عنوان «روز حمایت از صنایع کوچک» نام‌گذاری شده است.

در آستانه این روز، در این پرونده صمت به جایگاه و انعکاس مشکلات بنگاه‌های کوچک صنعتی و معدنی پرداخته‌ایم، زیرا باتوجه به شرایط سخت اقتصادی کشور، یکی از بهترین راه‌ها برای ایجاد تحرک و پوییش اقتصادی، تقویت بنیه‌های صنعتی با راه‌اندازی و حمایت از صنایع کوچک و متوسط و ایجاد بستر مناسب فعالیتی برای آنها، خواهد بود.

بی‌تردید صنایع کوچک با طیف وسیعی از انواع گوناگون محصولات تولیدی، می‌تواند زمینه بسیار مناسبی برای توسعه صنعتی، اشتغال پایدار و گسترش عدالت‌اجتماعی باشد.

کم‌توجهی

سازمان‌ها به صنایع کوچک



صنایع کوچک واقعا با دست‌های خالی ادامه حیات می‌دهند و از سوی دیگر، صنایع کوچک با دست‌های خالی کشور را حفظ کرده‌اند. شاید در کشورهای دیگر صنایع متوسط و بزرگ نقش آفرینی می‌کنند، اما در ایران صنایع کوچک، هم در بخش اشتغال‌زایی، هم در ایجاد ارزش افزوده و گسترش در تولید، نقش دارند. مشکلات این بخش عمده‌تا به‌واسطه ساختار آن است، چون معمولاً سیستم‌محور پیش نمی‌روند و کارمحور هستند.

در یک صنعت کوچک یک نیرو هم‌زمان مدیرعامل، مدیرفنی، مجری، مسئول خرید و مسئول حسابداری است. این اتفاق به‌دلیل آن است که هزینه تولید باید مقرون به‌صرفه باشد و اگر این کار را نکنند، مشکلاتی در زمینه تولید به‌وجود می‌آید. مشکل دیگر جایی است که صنایع کوچک به‌دلیل ساختار و سیستم خود، به‌سختی توانایی استفاده از منابع بانکی را دارند. صنایع بانکی تخصیصی برای بخش تولید عمدتا توسط صنایع بزرگ و متوسط جذب می‌شوند. این صنایع سهم و سرمایه‌ای برای در اختیار بانک قرار دادن ندارند که بخوانند یا در رهن بانک گذاشتن منابع خود، وامی دریافت کنند. از آن‌سو، شاید شفافیت سیستم مالی نداشته باشند، چون به‌نوعی اصلا سیستم مالی خاصی ندارند. برای مثال باید در تأمین مواد اولیه، این صنایع بتوانند نیاز خود را با نرخ‌های مصوب و از مراجعی تأمین کنند که فاکتورهای رسمی در اختیارشان قرار دهند.

اما مواد اولیه را نمی‌توان با فاکتورهای رسمی تهیه کرد و تولیدات و مواد اولیه صنایع اکنون در اختیار افرادی است که اصلا حاضر نیستند به صنایع کوچک چیزی بدهند. مشکلات دیگر در زمینه تأمین‌اجتماعی، انرژی و قطعی‌های پیاپی برق و گاز است که همگی دست به‌دست هم داده و تیشه به ریشه این صنایع می‌زنند. این صنایع تمام ضررهای خود را هم پرداخت می‌کنند، اما در انتهای سال مالی، سازمان‌های تأمین‌اجتماعی و امور مالیاتی توجهی به مشکلات این صنایع ندارند و تا ریال آخر پول خود را می‌گیرند. در سال‌های اخیر، کرونا به‌شدت کسب‌وکارها را دستخوش تغییرات کرد، اما در بخش‌های مالیاتی و تأمین‌اجتماعی، اتفاقی رخ نداد. اگر این صنایع یک‌روز و حتی یک‌ساعت کار نکنند، مجبور هستند از سرمایه خود، ضررها را جبران کنند، نه اینکه از سود به‌دست‌آورده خود به این کار روی بیاورند. معمولاً این صنایع در شهرک‌های صنعتی جایگاهی ندارند، اما اگر داشتند، مشکلات شهرک‌ها هم به این صنایع اضافه می‌شد.

در حقیقت آمار دقیق و به‌روزی از تاثیر این صنایع بر اقتصاد کشور وجود ندارد؛ اما با قدرت می‌توان گفت درصد خیلی بالایی از رشد ارزش افزوده صنعت ما به صنایع کوچک وابسته است و در اشتغال‌زایی هم، شاهد این موضوع هستیم. این صنایع با همه مشکلات، خود را به‌سمت پیشرفت سوق می‌دهند. این صنایع خواهان داشتن سرمایه در گردش هستند، مگر سرمایه در گردش این صنایع چقدر است؟ باید به‌فراهم شدن آن امری سخت باشد؟ این صنایع نیازمند کمک هستند تا بتوانند پایه‌های رشد و توسعه اقتصادی کشور باشند. بسیاری از اوقات این صنایع با اینکه مجوز کسب‌وکار و پروانه‌های لازم را دارند، نمی‌توانند اسنادی را که مدنظر بانک هست را تأمین کرده و وامی دریافت کنند. اکنون بازار این صنایع به‌صورت نقدی فعال است و فعالیت اعتباری در آنها وجود ندارد.

باتوجه به موارد یادشده، نخستین و مهم‌ترین اقدام باید با کم‌توجهی سازمان‌ها به صنایع کوچک رفع شود.